

موسیقی نوین در انگلستان

مدتهاست شهر لندن بعلا اینکه یکی از بهترین مراکز موسیقی دنیا است
قرین افتخار میباشد. در کدام نقطه دیگر ۵ ارکستر سنفونیک دائمی
(تعداد زیادی از ارکسترهای کوچکتر را ذکر نمیکنیم) وجود دارد؟ کدام
شهر اینچنین مشهورترین نوازنده‌ها را بخود جلب میکند؟ و شما در کدام
تالار کنسرت میتوانید تمام طبقات مردم را که فقط بخاطر علاقه فراوان به
موسیقی گرد هم جمع شده‌اند ببینید؟ اگر چه این مسائل مایه مباهات انگلستان
است ولی موسیقی دانانی که قوه تشخیص قوی دارند مدتهاست استنباط کرده‌اند
که موسیقی در انگلستان چندان وضع صحیحی ندارد. کفایت فقط نظری
به برنامه‌های کنسرت‌های یشمار بیفکنیم تا دریابیم که انتخاب قطعات در بیشتر
موارد با آزادی عمل توأم نیست. آثار بشوون، چایکوفسکی، برامس
خیلی بیشتر از سهمشان در کنسرت‌ها نواخته میشود و مدیران کنسرت بر این
عقیده هستند که اگر یک رهبر ویاسولیت جرات اجرای قطعه‌ای مدرن را
بخود بدهد - مقصود از مدرن در اینجا آثار بعد از دبوسی است - بیست و پنج
درصد شنوندگان را از دست خواهد داد. هنگامیکه «آرون کوپلند»^۱

Aaron Copland - ۱

آهنگساز امریکائی در لندن اقامت داشت در روزنامه « ساندی تایمز » در این باب نوشت که : « کیفیت موسیقی انگلستان با کمیت آن تطابق ندارد » مسئله ای که عده زیادی از موسیقیدانهای انگلیسی کاملاً بآن واقف بوده اند. لکن در مدت نسبتاً کوتاهی که از ۶ ماه تجاوز نمیکرد تحولی بوجود آمد و وضع رنگ دیگری بخود گرفت. شاید مهمترین اتفاقی که روی داد انتخاب « ویلیام گلاک »^۱ برای اداره کردن موسیقی B.B.C بود. این خبر با تعجب و در بعضی موارد با مسرت بین موسیقیدانهای لندن تلقی شد.

« گلاک » مردی است فوق العاده علاقمند و وارد به موسیقی و موردی که اشتها را و بیشتر بدان معطوف است اینست که وی قهرمانی تسلیم نشدنی در موسیقی مدرن و معاصر بحساب آمده است. این حقیقت هم در مدرسه ای که گلاک مدیر آن است و هم در صفحات مجله « اسکور »^۲ که او سردبیری آن را بعهده دارد، کاملاً هویدا است.

« گلاک » بیانیست قابلی است و سه سال تحت نظر « اشناپل » کار کرده است ولی به نواختن در مجامع عمومی علاقه نشان نمیدهد. در زمان جنگ منقد موسیقی روزنامه ابرور^۳ بود ولی اکنون بعزت ظاهر سازی - هائی که به استنباط وی در نشریات موسیقی وجود دارد چندان تمایلی باینگونه مطبوعات نشان نمیدهد. او در حقیقت یک ایده آلیست است و بهین دلیل بود که انتصاب او باعث تعجب و در بعضی موارد سبب مسرت گردید.

اداره موسیقی B.B.C هم برای کسی که در این راه بخواهد به تنهایی دست به اقداماتی جدید بزند، منصب مؤثری است. در حدود یکسال است که نفوذ « گلاک » در فرستنده برنامه ها کاملاً آشکار میباشد. بهترین آثار از جمله دواپرا از « بریتن » و اپرای « موسی و هارون » اثر « شونبرگ » و اپرای « لولو » اثر « آلبان برگ » در این برنامه پخش شده است. صفحات زیادی نیز از موسیقی جدید که حتی هنوز بیازار نیامده مرتب شنیده میشود. اینگونه آثار قبل از انتصاب « گلاک » بهیچوجه مورد استفاده قرار نمیگرفت.

The Score - ۲ William Glock - ۱

Observer - ۳

اما مهمترین عملی که گلاک انجام داد ترتیب کنسرت هائی است که روز-های پنجشنبه اجرا میشود. اگرچه این کنسرتها برای بخش از راد بود در نظر گرفته شده ولی ورود به استودیوها برای عموم آزاد است. این کنسرتها شامل میزان معتابهی موسیقی مدرن از آثار استراوینسکی، بارتوک، برگ، شونبرگ، هیندمیت، هامیلتون و غیره بوده است. با وجودیکه توجه این برنامه بیشتر به موسیقی قرن بیستم مبذول گردیده معینا هنوز محل برای کلاسیک های وین، (اغلب قطعاتیکه زیاد مشهور نیستند) باخ و بعضی رماتیک ها باقی است. این برنامه ها طوری ترتیب داده شده که مورد پسند عموم و بالاخص موسیقیدانان قرار گیرد و اغلب بوسیله بهترین و ورزیده ترین خواننده ها و نوازنده ها اجرا میگردد.

ترتیب کنسرت ها باعث شده که ما بتوانیم بانواع مختلف موسیقی گوش فرادهیم. این امر از نظر روانشناسی هم کاملا مهم و قابل ارزش است. چه بسا هنرمندان جوانی که در این راه کاملا دلسرد شده بودند، ناگهان متوجه شدند که زمینه مساعدی برای پرورش استعداد و هنرشان بوجود آمده است. گروه هائی متخصص در موسیقی قرن بیستم و همچنین انجمنی، بمنظور بالا بردن سطح موسیقی مدرن بوجود آمد. در جلسات این انجمن تمرین قطعات جدید با حضور مردم صورت میگردد و متعاقب آن بحث درباره هر کدام شروع میشود. در یکی از این جلسات دسته هم نواز^۱ موسیقی جدید رهبری رهبر جوان «جان کرو»^۲ قطعه بسیار دشوار «Le Marteau Sans Maître» اثر «بولز»^۳ را بخوبی اجرا کرد. کنسرت های «Musica Viva» در لیورپول نیز رهبری «جان پریچارد»^۴ موفقیت های زیادی کسب کرده است، همچنین گروه خوانندگان موسیقی جدید در یکی از جلسات مزبور قطعاتی از شونبرگ، ورن و هامیلتون رهبری «گراهام تریچر»^۵ اجرا نمود که بی نهایت مورد توجه قرار گرفت. بعضی از این گروه ها نام تأسیساتی را که باعث رواج موسیقی جدید شده اند بروی خود گذارده اند، مانند کوارتت

Ensemble - ۱ John Carewe - ۲

Boulez - ۳ John Pritchard - ۴

Graham Treacher - ۵

«مارلی» (بنام مدرسه «مارلی» که هامیلتون در آن تدریس میکند) و تریوی «دارلینگتون» (بنام مدرسه تابستانی «دارلینگتون» که «گلاک» مدیریت آنرا برعهده دارد.)

در ژانویه سال گذشته در یک رستال پیا نود و دو مرد جوان چنان سروصداهای عجیبی اذو پیا نو در می آوردند که تصورش هم برای کسی ممکن نیست و عنوانی که در کمال خوش بینی بآن داده بودند «موسیقی نسل» بود. از همه مهتر گروهی است بنام موسیقی امروز^۱ که ریاست آن با هامیلتون است و اعضای آنرا آهنگسازهای فوق العاده جوان و با استعداد تشکیل میدهند. برنامه های آنها شامل نواختن مخلوطی از قطعات خیلی قدیم و خیلی جدید و خواندن بخش هایی آثار نویسندگان مثل «بکت»^۲ و «ایونسکو»^۳ در بین قطعات موسیقی است.

نتیجه آنکه تعداد بی نهایت زیادی از مردم لندن و سایر شهرهای انگلستان به موسیقی جدید گوش میکنند و با وجودیکه بعضی اوقات این قطعات آثار جالبی نیست و باید با اجرا در می آید، باز با همان شوق استقبال میشود. مطمئناً نتیجه فعالیت های مزبور این خواهد بود که اپراهای آهنگسازی مثل «بریتن» جای خود را در برای «کاونت گاردن» باز کند.

ترجمه ژیل اسکونی

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز مطالعات و تحقیقات علمی

Beckett - ۲ Music Today - ۱

Ionesco - ۳